



رسول شمالی ورزنده

روزنامه نگار

مجموعه تلویزیونی «سوجان» بالاخره پس از پخش ۶۵ قسمت از شبکه یک سیما به تازگی به بخش پایان رسید؛ مجموعه‌ای که با پرداختن به یک روایت تاریخی از قصه‌ای پرماجرا و پرغصه از تاریخ معاصر گیلان و داستان زندگی بانویی مبارز و مقاوم که چهره مطرح سینما، تئاتر و تلویزیون ایران، ثریا قاسمی ایفاگر نقش آن بود آغاز و با روایت زندگی عاشقانه و پرمجرای نوه این بانوی مبارز، دختری سختکوش و پرتلاش، یعنی سوجان قصه که غزاله اکرمی با هنرمندی در قامت آن ظاهر شد، ادامه پیدا کرد و در کشاکش داستان با ماجرای زندگی ارباب و صاحب منصب معروف و وابسته به رژیم پهلوی، جفودی بزرگ به پیش رفت. نویسنده و کارگردان این مجموعه تلویزیونی در مسیر روایت قصه، به‌رغم این‌که نگاهی عمیق و دقیق به موضوعات تاریخی دهه ۴۰، ۵۰ و دوران حکومت ستمشاهی داشتند و به عبارتی سعی کردند شرایط و موقعیت خفقان و دیکتاتوری زمان شاه و حاکمان و اربابان منطقه گیلان را به تصویر بکشند اما جذابیت‌های مخاطب‌پسند را هم فراموش نکردند که آن روایت عاشقانه‌ای بین دختر و پسر روستایی است که عموزاده‌های هم هستند و همین موضوع این مجموعه را به درامی عاشقانه تبدیل کرد. اگرچه در بخش پایانی با سکانس‌های غمگین و غافلگیرکننده‌ای چون کشته شدن «قربان گیلانی» که علی‌مرازی ایفاگر نقش آن بود روبه‌رو هستیم اما به هر حال نویسندگان و کارگردان این مجموعه به نوعی خواستند که سوجان در پایان فصل اول به عنوان یک بانوی مقاوم، صبور و موفق در زندگی تصویر شود و ناکامی‌هایی که در دوران زندگی داشته به پایان برسد و با انگیزه‌های فراوانی که در مسیر سخت زندگی به دست آورده به آینده‌اش امیدوار شود.

از سوی دیگر مهم‌ترین موضوعی که به نظر می‌آید کارگردان و سایر عوامل تولید تلاش کردند در این مجموعه به تصویر در بیاورند بی‌ثباتی و سردرگمی

نیروهای نظامی و ارتش وابسته به پهلوی و همچنین ضعف و نابسامانی ارگان‌ها و نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دوران طاغوت است که با ظرافت خاصی به آنها پرداخته شد. از طرفی نفوذ افراد متمول و مالکان و صاحب ثروت با آورده دوران طاغوت که برای رژیم پهلوی خوش‌رقصی می‌کردند تا به اهداف و امیال شوم خود دست پیدا کنند، یکی از نکات برجسته‌ای است که در روایت سوجان بسیار پررنگ است. در واقع راه پیدا کردن قربان گیلانی به عنوان سرباز در خانواده ملاک و صاحب نفوذ معروف، یعنی جفودی از مالکان ثروتمند گیلان است که ریتیم قصه را تغییر می‌دهد و او به‌رغم تعهدی که در قبال دخترعموی‌اش سوجان دارد به سمت «طلا» دختر ملاک و ثروتمند منطقه گیلان جذب می‌شود و در منجلاب بدبختی و نکبت می‌افتد و در این مسیر ناموفق با سرسپردگی به رژیم پهلوی و ساواک نه تنها به سوجان خیانت می‌کند، بلکه به اقوام نزدیک، فامیل و اهالی روستای محل زندگی‌اش نیز پشت می‌کند و محبوبیت خود را در بین اهالی روستا از دست می‌دهد.

البته کارگردان همچنین تلاش کرده که زندگی پر مشقت قربان و سوجان را به‌طور موازی و در کنار هم به تصویر بکشد، به همین خاطر اگرچه در ادامه قصه، صبری، مقاومت و موفقیت سوجان را در این مجموعه شاهد هستیم از طرفی هم کارگردان این مجموعه سعی کرده که به‌طور زیبایی زندگی درآورد و نکبت بار قربان را به تصویر بکشد، به هر حال عوامل ساخت این مجموعه توانستند در پایان قسمت ۶۵ حق مطلب را تا اندازه‌ای ادا کنند اما به نظر می‌رسد این مجموعه هنوز به پایان اصلی خود نرسیده

و راه طولانی در پیش خواهد

داشت، بنابراین

بایستی

منتظر

ماند تا ببینیم که مدیران رسانه ملی و عوامل دست‌اندرکار تولید این مجموعه چه تدابیری خواهند اندیشید.

❧ بانوی برخاسته از رنج با نشان مقاومت

همان‌طور که اشاره شد این مجموعه تلویزیونی اگرچه یک درام اجتماعی، تاریخی با دستمایه‌ای از روایت عاشقانه‌ای میان پسرعمو و دخترعمو در یک خانواده‌ای اصیل از گیلان زمین است که در مسیر داستان با چالش‌ها و فراز و فرودهایی روبه‌رو هستیم اما آنچه به عنوان نقطه قوت این مجموعه بیشتر خودش را به مخاطبان نمایان کرد، نقش سوجان بود که شخصیت برجسته و تأثیرگذار در این مجموعه است. حسین تبریزی، کارگردان این مجموعه به خوبی توانسته از یک بازیگر جوان و کم‌تجربه سینما و تلویزیون در نقش دختری مبارز و آزادیخواه به نام سوجان به عنوان سمبل مقاومت و در عین حال مبارزه بایی عدالتی در روایت داستان بهره‌برد و چنان بازی‌ای از او بگیرد که یقیناً قابل تحسین است. غزاله اکرمی، ایفاگر نقش سوجان هم تلاش زیادی کرده تا به‌طور صحیح و دقیق در نقش این دختر مبارز گیلانی ظاهر شود. در همه قسمت‌های این مجموعه تلویزیونی شاهد هستیم که اکرمی با بازی درخشان و ظاهر شدن در کاراکتر سوجان حالت‌ها، رفتار و حرکت‌هایی را از خود به تصویر درآورد که دقیقاً نمایشگر رفتار و حالات همان شخصیتی است که از او در آن برهه تاریخی انتظار می‌رود. این بازیگر اگرچه در ابتدای آغاز این مجموعه دختر خانواده‌ای معمولی و تلاشگر است اما به تدریج در مسیر زندگی‌اش بانویی خودساخته و بسیار قوی می‌شود و برای رسیدن به

هدف‌های مهمی که در زندگی اجتماعی و تحصیلی‌اش دارد تلاش بسیار می‌کند و همه اینها به‌رغم مشکلات و مصیبت‌های فراوانی است که برای او ایجاد می‌شود. مصائبی نظیر درگذشت مادر و پدرش، ناکامی در عشق و مشکلات ریز و درشتی که در روایت داستان این مجموعه با آن دست و پنجه نرم می‌کند. این شخصیت مثل کوهی استوار و محکم در مقابل تمامی مشکلات و مصیبت‌ها می‌ایستد و هرگز تسلیم نمی‌شود.

قربان در قسمت‌های پایانی این مجموعه ناامید و شکست خورده از زندگی خودساخته‌اش، سعی می‌کند مسیر زندگی سوجان قصه را رد واپسین لحظات تغییر دهد اما سوجان قصه به مثابه یک زن مبارز می‌ایستد و نشان می‌دهد که انسان‌های مبارز برای مقاومت ساخته شده‌اند و هرگز در مقابل زور و زورگویان تسلیم نمی‌شوند. این مجموعه در واقع جدای از این‌که به یک روایت تاریخی کهن از درون جنگل و مبارزه برعلیه رژیم ستمشاهی می‌پردازد از زاویه خاص دیگر هم نمایش‌دهنده تصویر چهره یک بانوی مقاومی است که در کشاکش مصائب و مشکلاتی که با آن روبه‌رو می‌شود ایستادگی می‌کند. همچنین کاراکتر سوجان در این مجموعه در قامت زنی باهوش و مستعد به تصویر کشیده شده و در قسمت‌هایی از این مجموعه مخاطبان با دختری روبه‌رو هستند که با وجود تلاش و فعالیت اجتماعی به عنوان معلم مدرسه در روستا، از فهم و آگاهی اجتماعی و سیاسی روز برخوردار بوده و تلاش‌های زیادی را در این زمینه انجام می‌دهد.

این روند نشان می‌دهد که نویسندگان و کارگردان مجموعه در به تصویر کشیدن شخصیت واقعی سوجان از زاویه یک انسان مقاوم نگاه کردند و خوشبختانه بازیگر این نقش نیز تا میزان زیادی توانسته در کاراکتر سوجان اهداف کارگردان را تأمین کند و در اذهان مخاطبان بنشیند. از همین‌رو ساخت مجموعه‌های تلویزیونی این چنینی با قهرمانان جوان و پخش آن از شبکه‌های تلویزیونی رسانه ملی می‌تواند روحیه مقاومت و ایستادگی را در جامعه و به خصوص نسل جدید گسترش دهد.

سوجان

پایان فصل عاشقی

